

مقدمه

ادبیات عامه بزرگ‌ترین میراث و سرمایه معنوی و پشتوانه هر ملتی برای دوام و بقا و رکن مهمی از فرهنگ آن ملت است. زبان و ادبیات عامه مردم ایران نیز از جمله غنی‌ترین گنجینه‌های فرهنگی در میان تمدنهای بشری به شمار می‌رود. دیرینگی و کهن‌سالی اقوام ایرانی، غنای فرهنگی و ادبی، تعدد پاره‌فرهنگها و پراکندگی جغرافیایی قومیتها عامل تقویت‌کننده این غنای فرهنگی است؛ چنان‌که با تحول نسلها و سرعت توسعه فناوریهای نوین نتوانیم میان فرهنگ غنی مادی و معنوی گذشته و امروز پلی استوار ببندیم، در هنگامه هجوم فرهنگهای مهاجر و مهاجم، پاسداری از حریم زبان و ادب بومی، مردمی و عامه، که آبخور فرهنگ ملی ماست، کاری بس دشوار خواهد بود. امروزه در کشورهای توسعه‌یافته با سرمایه‌گذارهای کلان از طریق تأسیس پژوهشکده‌ها و مطالعات بنیادی و ایجاد رشته‌های دانشگاهی، بدین حوزه رونق بخشیده‌اند.

طی چند دهه گذشته، نهادهای دولتی و غیردولتی پژوهشهایی را به صورت فردی و یا گروهی در زمینه زبان و ادبیات شفاهی انجام داده‌اند که در جای خود بس مهم و کارساز بوده است؛ لیکن چون این‌گونه کارها بیشتر قائم به شخص بوده است، در اثر انصراف از ادامه کار بسیاری از پژوهشگران این حوزه و یا درگذشت برخی از آنها، این پژوهشها چنان‌که باید و شاید تداوم نیافته یا در برخی موارد از دست رفته است. در مراکز دانشگاهی نیز تاکنون برنامه‌ریزان آموزشی، گرایش یا رشته و حتی درسی با عنوان ادبیات عامه در نظر نگرفته‌اند و حداقل توجهی به این حوزه بسیار مهم که می‌تواند جایگاهی عمده و ویژه در دانشگاهها داشته باشد نداشته‌اند. در سال 1337 در وزارت فرهنگ سابق، اداره‌ای به نام «فرهنگ عامه» تشکیل شد. در سال 1340 با تأسیس دانشکده هنرهای دراماتیک، درسی به نام «ادب عوام» در نظر گرفته شد. در وزارت آموزش و پرورش و در مقطع متوسطه (چهارم دبیرستان) بین سالهای 1357 تا 1356 درس «ادبیات عامه» با کتابی مستقل تدریس می‌شد. در سال 1391 در تجدید نظر برنامه‌های دوره کارشناسی رشته زبان و ادبیات فارسی، درس اختیاری «ادبیات عامه» در نظر گرفته شد. سال بعد نیز گرایش آن تصویب شد. اکنون در برخی رشته‌های جامعه‌شناسی و مردم‌نگاری تنها از بُعد موضوع رشته خود، توجه اندکی به زبان و ادبیات عامه می‌شود که آن هم بسیار کلی و غیرتخصصی است؛ از این‌رو، طی یک‌صد ساله اخیر، به موازات رشته‌های دیگر علوم انسانی، نه متخصصان و پژوهشگران این رشته تربیت شده‌اند و نه در حوزه نظری به مباحث علمی آن، سامانی داده شده است و نه متنهای زبان و ادب شفاهی، به طور علمی، گردآوری، طبقه‌بندی و تحلیل شده‌اند. تنها در حوزه زبان و گویش در رشته‌های زبان‌شناسی، توجهی البته نه آن‌چنان درخور به چشم می‌خورد؛ درحالی‌که شایسته است این رسالت را گروههای زبان و ادبیات فارسی دانشگاهها بر دوش کشند.

کتاب پیش‌رو به سفارش انتشارات سمت و برای استفاده در دروس رشته زبان و ادبیات فارسی و گرایش ادبیات عامه تألیف شده است. البته این اثر هم مانند تمام کارهای اولیه قطعاً در خود کاستیهایی دارد که لازم است استادان و مدرّسان ضمن تدریس، یادآور آن شوند. کتاب زبان و ادبیات عامه ایران شش بخش دارد که هر بخش در برنامه گرایش زبان و ادب عامه، خود واحد درسی مستقلی است و باید برای هر یک، کتابی جداگانه نوشته شود.

بخش اول به کلیات اختصاص یافته است و پنج فصل دارد؛ در این فصلها فرهنگ مردم (فولکلور) و انواع آن، گستره و اهمیت و ویژگیهای ادب عامه، رابطه ادب عامه و ادب رسمی و سیر مطالعات و تحقیقات ادب عامه

بررسی می‌شود. هدف این بخش، ایجاد زمینه‌هایی برای معرفی ادبیات عامه است. در بخش دوم ادبیات داستانی عامه شامل طبقه‌بندی و انواع قصه‌هاست و عناصر داستانی و ویژگیها و بن‌مایه‌های قصه‌های عامه فارسی مورد تحقیق قرار گرفته و در پایان مهم‌ترین آثار ادبیات داستانی عامه بر اساس سیر تاریخی آن، بررسی و معرفی شده است. در بخش سوم ادبیات نمایشی عامه بررسی شده است. در این فصل برای نشان دادن تنوع نمایش در ایران، انواع نمایش‌های آیینی دینی و ملی را معرفی کرده‌ایم. بخش چهارم ادبیات غیرروایی عامه شامل ضرب‌المثلها، چیستان، یادگارنویسی، ماشین‌نوشته‌ها و گورنوشته‌ها است؛ این بخش را در مقابل ادبیات روایی و داستانی آورده‌ایم. در بخش پنجم ادب منظوم عامه، ویژگیها، قالبها، جنبه‌های بلاغی و هنری حوزه جغرافیایی و انواع و گونه‌های آن معرفی شده است. هدف این فصل، معرفی شعر عامه و تنوع آن نسبت به شعر رسمی و مضمونها و موضوعات اشعار عامه است. بخش ششم به معرفی زبان عامه، ویژگیها، گونه‌های اجتماعی و جغرافیایی، همچنین اجزا و مواد زبان عامه چون واژگان، اصطلاحات و زبانه‌ها و کنایه‌ها اختصاص دارد. آخرین بخش درباره شیوه‌های گردآوری، طبقه‌بندی و مطالعات علمی ادب عامه است که خود همچون راهنمایی برای مطالعات میدانی و عملی دانشجویان و پژوهشگران این حوزه به شمار می‌رود.

در تألیف این کتاب چند مسئله را مد نظر داشته‌ایم که به شرح زیر است:

1. از 500 منبع بهره گرفته‌ایم و کوشیده‌ایم تا آنجا که ممکن باشد، منابع مربوط را برای مطالعات و تحقیقات بیشتر معرفی کنیم.
2. از نمونه‌ها و شاهدمثالهای مختلف تا حد مقدور بهره گرفته‌ایم تا دانشجویان به طور ملموس با انواع و گونه‌های ادب عامه آشنا شوند.
3. کوشیده‌ایم در کنار ارائه اطلاعات و دانش ادب عامه، زمینه‌ای لازم را برای تحقیق و مطالعه علمی نیز فراهم کنیم؛ روشهایی را پیشنهاد کرده‌ایم که در کنار روشهای عام پژوهش در حوزه مردم‌شناسی، به طور خاص به کار طبقه‌بندی و تحلیل ادب عامه می‌آید.
4. از آنجا که این کتاب اولین کتاب درسی در زمینه مطالعات ادب عامه است، کوشیده‌ایم ضمن جامعیت، اختصار را نیز رعایت کنیم و از میان مطالب انبوه قابل طرح، آنهایی را بیاوریم که ضرورت بیشتری دارد و گرنه عناوین طرح شده در کتاب، تمام گفتنیها را شامل نمی‌شود و تنها به اقتضای آموزشی بودن، شامل اهمّ مباحث می‌شود.

در پایان ضمن تقدیم این کتاب به دانشجویان و خوانندگان فرهنگ‌دوست و فرهیخته، امیدوارم که این اثر بتواند زمینه‌ای را فراهم کند تا با شیوه‌ای کاربردی ادبیات عامه شناخته و تدوین شود. از خوانندگان انتظار دارم نکته‌ها، دیدگاهها و پیشنهادهای خود را به رایانامه نگارنده به نشانی «Zolfagari_hasan@yahoo.Com» ارسال کنند تا در چاپهای بعد اعمال شود.

حسن ذوالفقاری

تهران

تابستان 1394